

اندیشه های حقوقی

موريس هوريو

تحقیق و ترجمه: محمد جلالی^۲

اشاره نشریه: معرفی چهره های برجسته حقوقی و تبیین اندیشه های آنها یکی از دغدغه های اصلی نشریه حقوق اساسی است. به همین خاطر و به فراخور توان در شماره های آینده نیز تلاش خواهد شد تا حقوقدانان اساسی بزرگ جهان و ایران را به مشتاقان عرصه علم و معرفت معرفی نماییم. در همین جا از نویسندگانی که مایل به معرفی حقوقدانان ایرانی یا خارجی هستند، دعوت می شود تا آثار علمی و مستند خود را برای نشریه ارسال دارند.

با عنایت به اینکه نشریه حقوق اساسی به سه زبان فارسی، فرانسه و انگلیسی منتشر می شود، نویسندگان می توانند نوشته های خود را به هر یک از زبانهای سه گانه مذکور به تحریر در آورند. البته از آنجا که مناسبانه چهره حقوق ایران و بالتبع حقوقدانان ایرانی در صحنه جهانی چندان شناخته شده نیست، معرفی چهره های بزرگ حقوق ایران به زبانهای خارجی امری ممدوح و مستحسن خواهد بود. بعنوان مثال شاید هنوز در کشور ما هیچ کتاب یا مقاله مستقلی در معرفی پیشگامان حقوقی کشور و نقد و تحلیل آثار و اندیشه های حقوقی آنان به رشته تحریر در نیامده باشد. بدیهی است با غلبه این وضعیت نقدگريزانه، انتظار توسعه و تعمیق اندیشه های حقوقی، انتظاری کاملاً خوشبینانه است.

امیدواریم بتوانیم در شماره های آتی همگام با معرفی پیشگامان حقوقی جهان، به معرفی و نقد و تحلیل آثار بزرگانی چون زنده یاد دکتر ابوالفضل قاضی، دکتر سید محمد هاشمی، دکتر ناصر کاتوزیان و دیگر فرزاندانی که به نحوی از انحا در بسط اندیشه های حقوق عمومی و بالأخص حقوق اساسی تاثیرگذار بوده اند، بپردازیم. در شماره حاضر اندیشه های موريس هوريو یکی از حقوقدانان کلاسیک و برجسته حقوق عمومی فرانسه مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته است.

1. Maurice Hauriou

موريس هوريو در سال ۱۸۵۶ در شهر لدویل ad vile به دنیا آمد و در سال ۱۹۲۹ در شهر

تولوز Toulouse دیده از جهان فرو بست.

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه پاریس یک - سوربن.

موریس هوریو هم‌زمان در حالیکه مشغول مطالعات جدی خود در زمینه‌ی ادبیات (به ویژه فلسفه) و علوم بود، تحصیل در رشته‌ی حقوق را نیز در بوردو دنبال می‌کرد و در همین شهر بود که رساله‌ی پایان تحصیلات خود را در این رشته به سامان رسانید. موریس هوریو در ۱۸۸۲ با احراز رتبه اول در آنچه که در آن زمان «کنکور بزرگ» نامیده می‌شد، به کسوت استادی درآمد. (هوریو، دوگی^۳، میشو^۴، بارتلمی^۵ و ... که همراه با ادمیر سمین^۶ و ریموند کاره دو مالبرگ^۷ از جمله کسانی هستند که به عنوان بنیانگذاران حقوق عمومی مدرن در فرانسه شهرت دارند.)

موریس هوریو معتقد به مذهب کاتولیک و عامل به آن بود، اما اعتقادات او در آثارش ظهور و بروز خاصی نداشت: «من به این نتیجه رسیده‌ام که هیچ‌گاه در علوم اجتماعی، استدالات متافیزیکی اثری ندارند و ما ناچاریم تا از آنها صرف نظر کنیم. به این ترتیب اگر شما به مخاطبان خود بگویید قدرت، بر گرفته از خداوند است، خواهید دید که آنها بی‌تفاوت خواهند بود، اما اگر بگویید که قدرت متعلق به نخبگان اجتماع است، در خواهید یافت که آنان با علاقه به خطابه شما گوش فرا می‌دهند.» (نامه ای به ژاک شوالیه^۸ ۲۷ آوریل ۱۹۲۱)

از نقطه نظر سیاسی، همانند بسیاری از شخصیت‌های دانشگاهی به دشواری می‌توان موریس هوریو را در دسته‌بندی‌های سنتی جای داد. چرا که عقاید سیاسی وی دارای فراز و نشیب‌های بسیار و گاه متعارض بوده است. در برهه خاصی هوریو بسیار تحت تاثیر سیون دومارک سانیه^۹ بوده، که از بنیانگذاران مکتب دموکراسی مسیحی است؛ گاه نیز سوسیالیسم انسان محور^{۱۰} را تأیید نموده، اما در مجموع نه به فضایل سوسیالیسم و نه کاپیتالیسم هیچگونه اعتقاد و باوری نداشته، بلکه به عکس گاهی

3. Duguit

4. Michoud

5. Berthélémy

6. Adhémar Esmein

7. Raymond carré de Malberg

8. Jacques Chevallier

9. Sillon de Marc Sangnier

10. Socialiste humaniste

واکنش‌های مخالفی نیز بروز داده است: «در نهایت از مکتب‌های جدید، مکتب‌های واقع‌گرا و فلسفه‌های نوین و نظریه‌های عینی که گوشه‌ایمان را ۳۰ سال پر کرده اند، خسته شدیم. واکنشی در حال ایجاد است که ما را به آرامی به سوی موضوعات قدیمی ذهنی و درونگرا سوق می‌دهد. تازه متوجه شدیم که زندگی اخلاقی بشر و در نتیجه زندگی اجتماعی او خیلی تحت تاثیر پدیده‌های مدرن نیست، بلکه به عکس تا حدود زیادی همانند قبل باقی مانده است و تنها بر روی تعداد بسیار محدود و معینی موضوع استوار است که در ماهیت تغییری ندارند. باعث شگفتی است اگر عصری از محافظه‌کاری و بازگشت افکار سنتی دوباره ظاهر نگردد.»

او همچنین اعتقاد داشت که «تار و پود تمامی حقوق از عناصر واحدی تشکیل یافته است.» به این معنا که احتمالاً دسته‌ای از اصول حقوقی فراگیر و برای همگان یکسانند و شاید تکنیک‌های حقوقی بسیاری ایجاد نشوند.

اگر برای موريس هوريو یافتن قاعده‌ی حقوقی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است، اما مسئله‌ی اساسی جای دیگر بوده و آن «فرد» می‌باشد. «من نیز به این بدبینی سوسیالیسم و کاپیتالیسم معتقدم که بدی و شرارت تنها در قوانین اساسی نیست، که به تدریج از آنجا نیز به سایر نهادها سرایت نماید. این انسان است که می‌بایست از طریق تلاش و تربیت اخلاقی شرارت‌ها را محو کند.» (نامه‌ای به یک روزنامه‌نگار ناشناس در تاریخی نامعلوم)

آثار هوريو متعدد و بسیار متنوع بوده است: موريس هوريو در حقیقت نویسنده‌ای پرکار بود؛ از این میان می‌توان به ویژه به دوره‌ی پیشرفته حقوق اداری (که مشهورترین آنهاست)، حقوق عمومی، حقوق اساسی و نیز تعدادی بی‌شمار از نوشته‌هایی که در مجموعه‌ی «Sirey» به چاپ رسانیده و نیز مقالات متعدد راجع به نهادها اشاره نمود. موريس هوريو خود را به دو وظیفه که به صورت تفکیک‌ناپذیری به هم متصل بودند، وابسته می‌دانست: حقوق و در رأس آنها حقوق اداری و اساسی و نیز

فلسفه حقوق. در یک کلام موريس هوريو را مي توان معماری بزرگ در اين زمينه ها دانست.

موريس هوريو حقوقدانی قابل تحسین و گاهی شگفت‌انگیز بود که اغلب نظرهای متعارضی را درباره خود برمی‌انگیخت؛ پروسپروی^{۱۲} (که علاقه‌ای به هوريو نداشت) در جایی از ابهام‌های فوق‌العاده‌ای که توسط این نویسنده در حقوق اداری بوجود آمده‌اند شکایت نموده بود یا همچنین «جز^{۱۳}» که گفته بود: پرفسور هوريو به آسانی از طریق قیاس استدلال می‌کند. قیاس به نظر من شیوه‌ای از استدلال است که فارغ از عیب نیست؛ در حالی که خالی از هرگونه دقتی می‌باشد، اما استدلالی است که قابل رد و تکذیب نیست؛ چرا که رد یک تصویر امکان ندارد.

نگرش‌های فلسفی نیز که هوريو وارد حقوق نموده، به ویژه نظریه نهادها^{۱۴} با واکنشهای متعدد و مختلفی رو به رو بوده است، بسیاری آنها را مبهم می‌دانند؛ با این حال می‌توان ادعا نمود که تقریباً هیچ نویسنده‌ای و هیچ نظریه حقوقی به این اندازه همگان را وادار به تفکر و تأمل نموده است.

هوريو در واقع پدر اصلی حقوق اداری است: او در زمان خود متوجه ویژگی خاص این شاخه از حقوق شد. ویژگی که از طریق اعطای امتیازات ویژه و خاص به اداره، این شاخه از حقوق را ممتاز می‌نماید.

موريس هوريو نظم خاصی را وارد حقوق اداری نمود که از طریق آن اصول و قواعد راهنما برای این شاخه از حقوق وضع و تدوین گردید. قبل از او و بر خلاف این رویه، حقوقدانان تصور می‌کردند که تمامی اعمال اداری از طریق قواعد حقوق مدنی قابل نظارت می‌باشند و این قواعد حقوق مدنی است که بر روی اعمال اداری بار می‌گردند. در حقیقت بر اثر افکار هوريو بود که شورای دولتی به طور سیستماتیک و گاهی حتی به صورت افراطی و بی‌فایده تمامی ارجاعات به حقوق مدنی را رد می‌نمود.

12. Prosper Weil

13. Jèze

14. Théorie de l'institution

اصل مبنا در این زمینه توسط دادگاه حل تعارض^{۱۵} در رأی بسیار مشهور «بلانکو»^{۱۶} مطرح گردید: «مسئولیت مدنی دولت در زمینه خسارات وارده به افراد حقوق خصوصی که توسط مستخدمین اداره ایجاد شده، نمی‌تواند از طریق اصول و قواعد موجود در قانون مدنی که برای رابطه دو طرفه افراد تابع حقوق خصوصی وضع شده، هدایت و حل و فصل گردد.» آنچه که به خصوص امروزه از این رأی برداشت می‌شود، آن است که بر خلاف لئون دوگی که منشاء حقوق اداری را مرتبط با مفهوم «خدمات عمومی»^{۱۷} می‌دانست، هوریو پایه آن را بر روی مفهوم «قدرت عمومی»^{۱۸} استوار نمود.

از میان تجزیه و تحلیل‌های متعددی که هوریو ارائه داده بود، ما در اینجا فقط به دو نمونه از آنها اشاره ای گذرا می‌نماییم: مفهوم دسته‌بندی‌های کارکردی^{۱۹} و مفهوم اخلاق اداری^{۲۰}.

مفهوم دسته‌بندی‌های کارکردی در آثار هوریو نمودی آشکار ندارد، چرا که هوریو چندان به ضرورت منطق حساس نبوده است. در نظر او ساخت‌های حقوقی^{۲۱} عناصری بیشتر از تکنیک را می‌طلبند: این ساخت‌ها به نوعی الهام هنری نیازمندند. یک بنای حقوقی در جای خود نه تنها اثر فنی، بلکه یک اثری هنری است. (نظم اجتماعی، عدالت و حقوق ۱۹۲۷ صفحه ۸۲۵)

این مفهوم ۲۵ سال بعد به وسیله ژرژودل در قالب یکی از برجسته‌ترین آثار در ادبیات حقوقی فرانسه ساماندهی شد: حقوق اداری شاید بیشتر از هر رشته دیگر حقوق در کنار مفاهیم مطلقاً ماهوی خود، حاوی مجموعه‌ای از مفاهیم کارکردی نیز هست. مفاهیم دسته اول قادرند تا تعریفی کامل بر مبنای معیارهای منطقی معمول بپذیرند و محتوای آنها به صورت انتزاعی برای همیشه تعیین گردیده است. استفاده از این مفاهیم بستگی به محتوای

15. Le tribunal des Conflits

16. Blanco

17. Service public

18. Puissance publique

19. Catégories fonctionnelles

20. La moralité administrative

21. Constructions juridiques

آنها دارد و این محتوا به استفاده از آن ارتباط نمی‌یابد. اما بر خلاف این مفاهیم، مفاهیم کارکردی به طرز متفاوت ساخته و ایجاد شده‌اند. مفاهیم مذکور مستقیماً دارای نقشی هستند که به تنهایی به آنها نوعی وحدت واقعی اعطاء می‌نماید.

نسبی‌گرایی هوریو مانع این نبود که چنین بیانیدشد که میان خیر و شر تمایزی مطلق وجود دارد و این خیر و شر است که پایه تمدن‌های ما را شکل می‌دهد.

اخلاق اداری برای هوریو به نوعی امری فراتر از قانون‌گرایی بوده که در مقابل قدرت دولت قامت می‌نمایاند. به عنوان نمونه در نقد او بر رأی دل و لوران^{۲۲} (۲۸، فوریه ۱۹۱۹) این مسئله کاملاً مشهود است. در این پرونده فرماندار تولون به علت بروز برخی مسائل ناشی از جنگ فعالیت آمد و شد زنان روسپی در قهوه‌خانه‌های خارج از محلات مخصوص فعالیت آنها را ممنوع نموده بود. شورای دولتی نیز در رأی خود درخواست تجدید نظر دو تن از زنان مزبور را رد کرده بود. موریس هوریو در نقد خود، هر چند مفاد این رأی را به صورت تلویحی تأیید کرده، اما تعجب خود را از عدم استناد شورای دولتی در دعوای مذکور به قاعده حقوقی مشهور «عدم قابلیت استناد دعوای که منشا خلاف اخلاق دارند»^{۲۳} بیان نموده بود: «به چه خاطر شورای دولتی با استفاده از یک جمله نخواست بفهماند که زن بارگی، اعمال مشروع یک حق یا آزادی فردی نیست، بلکه عملی قابل سرزنش است و اگر به صورت رسمی قابل سرزنش نیست به دلیل تساهل نسبت به آن است؛ منطقه‌الفراغ ناشی از تساهل درست نقطه مقابل قلمرو ناشی از حقوق می‌باشد که در آن امکان استماع دعوی ناشی از سوء استفاده از حق وجود دارد....»

۲. «نظریه نهادها» درحقیقت اوج نظریات بنیادین موریس هوریو به شمار می‌رود. قدرت دولت در مقابل فرد نه تنها می‌بایست محدود و کنترل شده باشد، بلکه پیچیدگی زندگی اجتماعی توازن موقتی ایجاد شده بین نیروهای متعارض را زیر سؤال می‌برد: نظم موقتی نقش تعدیل‌کننده‌ای را

22. Dol et Laurent

23. Nemo auditeur

ایفا می‌نماید؛ نمونه‌های آن را می‌توان نه تنها در تفکیک قوا به شیوه‌ای که منتسکیو پیشنهاد کرده، بلکه همچنین در تمایز میان سیاست و مذهب، امور لشگری و کشوری و فرد و دولت مشاهده نمود.

مفهوم نهاد این امکان را می‌دهد تا پدیده‌های پیچیده‌ای نظیر تبعیت دولت از حقوق و محدودیت قدرت دولت را تبیین نمود: تبیین این پدیده‌ها از طریق تعدد نهادها که در بطن دولت ایجاد شده‌اند و نیز توازن موجود بین قوا صورت می‌گیرد.

از میان تعاریف متعددی که هوریو از نهاد ارائه داده، می‌توان به آخرین آنها اشاره نمود: «نهاد محصولی از اندیشه بشری است که در زمینه‌ای اجتماعی به صورت حقوقی در طول زمان نمود می‌یابد؛ برای اجرای این اثر قدرتی فراهم می‌گردد که برای به سامان رساندن آن سازمانهایی لازم می‌آیند؛ از سوی دیگر بین اعضاء گروه اجتماعی که علاقمند به عنایت بخشیدن به این محصول باشند، نشانه‌هایی از وحدت و اتفاق ظهور می‌نماید که از طریق سازمان ایجاد شده هدایت می‌شود و به وسیله آیین خاصی تنظیم می‌گردد.» (نظریه بنیاد و نهاد^{۲۴})

یکی از شاگردان قدیمی موریس هوریو چکیده مناسبی از این نظریه را ارائه داده است: «نهاد شامل سه عنصر است: ۱. اندیشه ایجاد آن ۲. بنیان‌گذاری که فکر ایجاد نهاد را کشف نموده و اجرای آن را بسط داده است و ۳. افرادی که با پذیرش اندیشه مزبور، در تحقق آن همکاری می‌نمایند.» (هبرو، موریس هوریو و حقوقدانان مدنی، مجموعه آکادمی قانون‌گذاری، جلد شانزدهم، ۱۹۶۸، صفحات ۱۷۹ به بعد).

آثار اصلی: اصول حقوق اداری، چاپ اول ۱۸۹۲، چاپ یازدهم ۱۹۲۸؛ اصول حقوق عمومی چاپ اول ۱۹۱۰، چاپ دوم ۱۹۱۶؛ دوره جامع حقوق اساسی چاپ اول ۱۹۲۳؛ نقد‌هایی بر آراء شورای دولتی و دادگاه حل تعارض از ۱۸۹۲ تا ۱۹۲۸ که در مجموعه ای سه جلدی به نام او در ۱۹۲۸ به چاپ رسیده است.



پروفیسر شہباز گل شاہ
پرتال جامع علوم انسانی
مطالعات فرہنگی